

پژوهش سیدعلی میرافضلی برنده

بخش متون قدیمی جایزه کتاب سال

سیدعلی میرافضلی، شاعر و پژوهشگر با کتاب «جنگ رباعی: بازیابی و تصحیح رباعیات کهن پارسی» در نشر سخن برگزیده بخش متون قدم کتاب سال شد. میرافضلی در کوتاه‌سرایی چند کتاب منتشر کرده است که مورد توجه علاقه‌مندان به شعر معاصر قرار گرفته است.



یادداشت

نگاهی به کتاب «گفت‌وگوهای برگزیده آیندگان» با گردآوری سیروس علی‌نژاد

روزی روزگاری

روزنامه‌نگاری فرهنگی



مهربانو ابجدی‌دوست
خبر نگار ادب و هنر

به تازگی نشر آگاه کتابی با عنوان «گفت‌وگوهای برگزیده آیندگان» با گردآوری سیروس علی‌نژاد منتشر کرده است. این کتاب شامل گفت‌وگو با حسین زنده‌رودی، احسان نراقی، بیژن مفید، عباس جوانمرد، جهانگیر افکاری، صادق چوبک، جلال ستاری، بهرام صادقی، حمید سمندریان، پرویز کیمیای، محسن وزیری مقدم، داراب دبیا، مرتضی ممیز و احمدعلی رجایی است. سیروس علی‌نژاد که از روزنامه‌نگاران باسابقه در روزنامه‌نگاری ایران است، در ابتدای این کتاب تلاش کرده است تا بگوید که چرا این گفت‌وگوها را انتخاب و بار دیگر به چاپ سپرده است. گفت‌وگوها از دل صفحات بی‌شماری گزینش شده است که روزانه منتشر می‌شده و گردآورنده تلاش کرده است دست به انتخاب آن دسته از گفت‌وگوهایی بزند که در زمانه ما نیز حاوی نکات قابل تأملی باشند و به قول علی‌نژاد در این روزگار نیز زنده و موثر باشند. گفت‌وگویی که جذاب‌ترین و موثرترین ژانرهای روزنامه‌نگاری است که در حوزه ادب و هنر از اهمیت بالایی برخوردار است و نگارنده می‌تواند به لایه‌های اثر و صاحب اثر پی برسد و به خوانش دقیق‌تر و معرفی موثرتر کمک کند. ۱۴ گفت‌وگوی گزینش‌شده از روزنامه آیندگان جدای از آنکه

همچنان برای مخاطبان جدی حوزه فرهنگ جذاب و حاوی نکات قابل تأمل هستند، نمونه‌های موقفی هستند که می‌توانند منبع خوبی برای روزنامه‌نگارانی باشند که در این حوزه علاقه‌مند به راهنمایی خوب هستند. برخی از این گفت‌وگوها مانند دیدار با صادق چوبک منحصر به فرد هستند و علی‌نژاد نیز شرحی بر چگونگی انجام‌شان داده است که خود نقشه راه خوبی برای روزنامه‌نگاری ادبی ما می‌تواند باشد. نصرت رحمانی و صادق چوبک، اولی چهره‌ای مهم در شعر نو است و دیگری از داستان‌نویسان برجسته است. شاعر «میعاد در لحن» چند روزی به دیدار نویسنده «سنگ‌صبور» می‌رود و حاصلش تنها گفت‌وگوی به‌جا مانده از صادق چوبک است. نویسنده «تنگسیر» بعدها دیدارش با منیرو روانی‌پور منتشر می‌شود. بهرام صادقی نیز با آن‌که از سرآمدان داستان کوتاه در ایران است، تنها یکی دو بار تن به گفت‌وگو می‌دهد که یکی از آنها در آیندگان منتشر می‌شود. گفت‌وگوی نادر ابراهیمی با بازیگران نمایش شهر قصه هم از مطالب خاطره‌انگیزی است که از چشم سیروس علی‌نژاد دور نمانده است.

اغلب گفت‌وگوها فاقد نام مصاحبه‌کننده است و کاش نام آنها در پرس و جوهای گردآورنده مشخص می‌شد. سیروس علی‌نژاد که خود از روزنامه‌نگاران صاحب‌نام است، پیش از این نیز کتاب «پرویز نقیبی، روزنامه‌نگار صاحب‌سبک» در نشر نیلوفر از او منتشر شده بود و کتاب او درباره همایون صنعتی‌بنیانگذار فرانکلین نیز اثری خواندنی و مهم است که در آستانه چاپ دوم قرار گرفته است. علی‌نژاد وعده کتاب‌های دیگری درباره روزنامه آیندگان داده است که می‌تواند گام‌هایی موثر در شناخت روزنامه‌نگاری در ایران باشد.

کتاب

تجلیل از ۲۲ نویسنده انقلاب اسلامی

آیین تجلیل از ۲۲ نویسنده انقلاب اسلامی به همراه رونمایی از کتاب «عبار ابراهیمی» در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، همزمان با هشتمین روز دهه فجر آیین تجلیل از ۲۲ نویسنده حوزه‌های انقلاب اسلامی به همراه رونمایی از کتاب «عبار ابراهیمی» چهارشنبه ۲۰ بهمن ساعت ۱۵ در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود. داود قاسمپور، مظفر شاه‌دی، حمید بصیرتمش، جواد عربانی، مراد سلیمانی‌زمانه، رحیم نیکبخت‌میرکوهی، مجتبی سلطانی‌احمدی، یعقوب توکلی، اکبر قاسملو، جواد کاموربخش‌ایش، منصور نصیری‌طیبری، محمود طاهراحمدی، نعمت‌الله عاملی، افشار امیری، علی کردی، محمدرضا تمری، مهدی قیصری، مصطفی نوری، محسن کاظمی، حسین ضایعی، حکیمه‌امیری ومرتضی میردار نویسندگانی هستند که از آنها تجلیل خواهد شد. کتاب «عبار ابراهیمی» مجموعه‌ای از اشعار و مقالات پیرامون زندگی شیخ ابراهیم زکراکی، روحانی شیعه و رهبر جنبش اسلامی شیعیان نیجریه است.

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از ادب و هنر

علی اصغر حداد، برگزیده بخش

ترجمه کتاب سال شد

ترجمه علی اصغر حداد، از رمان «دیگری» تألیف آرثور شنیتسلر در نشر ماهی به‌عنوان کتاب سال یخش ترجمه انتخاب شد. حداد از مترجمان برجسته آلمانی است که ترجمه‌هایش همواره مورد اعتماد علاقه‌مندان به ادبیات جهان بوده است. او تمام آثار کافکا (محاکمه، قصر، آمریکا، داستان‌های کوتاه) را مستقیماً از آلمانی به فارسی ترجمه کرده است.



گفت‌وگو با رضا مهدوی‌هزاوه درباره

مجموعه داستان «عطر ریخته در اصفهان»

پریشان‌نامه



رضا مهدوی هزاوه

رضا مهدوی هزاوه چهره آرامی دارد که سخشن همواره برای دوستان و دانشجویانش دلنشین است. اتفاقی که

در نوشته‌هایش نیز برای خوانندگانش می‌افتد. از او که هم‌اکنون عضو هیات علمی گروه هنر واحد اراک و مدیرگروه نمایش این دانشگاه است به تازگی کتاب «عطر ریخته در اصفهان» از سوی انتشارات نهفت اصفهان منتشر شده است. این کتاب ۲۴ قطعه است که همگی در فضای اصفهان می‌گذرد. «قصه‌های هزاوه» و «اسب‌های باغ ملی» مجموعه‌های قبلی این نویسنده هستند. مهدوی هزاوه در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از «عطر ریخته در اصفهان» می‌گوید.

۱۱۱

ستونی در «فرهیختگان» از شما منتشر می‌شد با نام «عطر ریخته». کتاب «عطر ریخته در اصفهان» آیا از همان یادداشت‌ها شکل گرفته است؟ خیر، آن یادداشت‌ها به زودی در کتاب دیگری منتشر می‌شود. یادداشت‌های این کتاب در واقع منتخب نوشته‌هایم در مجله «نشانی» و روزنامه‌هاست.

از خودتان ببرسم که تا چه اندازه این نوشته‌ها را خودتان به‌عنوان داستان قبول دارید؟ واگر داستان نمی‌نامیدشان، آنها را در چه‌دهای قرار می‌دهید؟ از اصطلاحاتی مثل دل‌نوشته چندان خوشم نمی‌آید. در واقع این نوشته‌ها نه داستان است و نه مقاله. یک جور مشاهده‌نگاری است. عادت دارم هر متنی که می‌نویسم مدام گریز بزنم. ممکن است این گریز زدن‌ها و رنگ‌آمیزی‌ها گاهی به داستان نزدیک شود. معتقدم جهان، کلاً از است. جهان، ترکیب است. کار من جابه‌جا کردن رویدادهاست. آدم‌ها، وقتی می‌میرند به قصه تبدیل می‌شوند. مثلاً می‌توانم بگویم این متن‌ها «پریشان‌نامه» است. جهان لایه‌های زیرین دارد. گاهی دوست‌دارم به اعماق بروم و گاهی لک‌لک‌ها را می‌بینم که روی آب هستند و گاه نیستند. همه چیز در ابتدا موجودیت دارد ولی پنهان است، بعد هویدا می‌شود. بعد دوباره محو می‌شود و این آغاز نوستالژی است.

کتاب نخست شما هم به نام «قصه‌های مردم هزاوه» بین خاطره و داستان قرار می‌گرفت. خودتان نوع نوشته‌هایتان در این کتاب‌ها را چقدر نزدیک به داستان می‌دانید؟ خوشبختانه شما داستان‌نویس برجسته‌ای هستید و می‌دانید تعریف داستان الزاماً واحد نیست. خواندن داستان‌های ماجراجو را شخصا دوست دارم ولی تمایلی به نوشتن این نوع داستان ندارم. در سال ۶۴ هرنجوی انجمن سینمای جوان اراک بودم. یک‌بار داستانی به تقلید از آثار مارکز نوشتم. مرحوم اشتری، استادم گفت رنگ خودت را در داستان‌هایت بیاش. در ضمن بعضی تئوریسین‌ها برای داستان استاندارد تعیین می‌کنند. خروجی این نوع آموزش‌ها را اگر بررسی کنیم نتایج جالبی به‌دست می‌آید. در این آثار کشمکش و تعلیق و نقطه اوج و تمام اصول داستان دیده می‌شود اما داستان روح ندارد. به تعبیر حافظ «آن» ندارد. البته این مساله عمومیت ندارد.



چهارشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۵ - ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۳۸ - ۸ فوریه ۲۰۱۷ - شماره ۲۱۵۹

جایزه کتاب سال برای «وقتی

گنجشکی جیک جیک یاد می‌گیرد»

محمدرضا یوسفی از نویسندگان نام‌آشنا و باسابقه حوزه کودک و نوجوان با کتاب «وقتی گنجشکی جیک جیک یاد می‌گیرد» از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برنده کتاب سال در این حوزه شد. در همین بخش مصطفی خرمان نیز با کتاب «کله حصیری» از نشر افق جایزه کتاب سال را از آن خود کرد.



روایت طلایی از ردیف موسیقی

ایرانی برگزیده کتاب سال

داریوش طلائی، نوازنده برجسته تار و سه‌تار و از مدرسان بنام این رشته با کتاب «تحلیل ردیف: براساس نت‌نویسی ردیف میرزا عبدالله با نموداری تشریحی» برنده کتاب سال در بخش موسیقی شد. این کتاب مهم را نشر نی در سال ۱۳۹۴ منتشر کرده است. این کتاب یکی از معتبرترین روایت‌های ردیف موسیقی ایرانی را تحلیل و بررسی می‌کند.



دفاع صالحی‌امیری از اصحاب قلم و هنر در آیین اختتامیه

سی و چهارمین جایزه کتاب سال

دیگر اعلام خط قرمز نمی‌کنیم

بزرگی برای دولت یازدهم است که ما در وزارت ارشاد به آن می‌بالیم. اولین نقطه برای توسعه فرهنگی و پیشرفت اعتمادسازی با اهالی اندیشه و قلم است شهادت می‌دهم از گذشته‌های دور و حتی پیش از آنکه آقای روحانی رئیس‌جمهور شوند؛ همیشه به ما و دیگران تذکر می‌دادند که به اصحاب قلم اعتماد کنید و سختگیری بی‌مورد را رها کنید. امروز که در خدمت ایشان هستیم باید بگویم که آقای روحانی، دوران سخت تمام شد و دوران همدلی و همراهی و اعتماد آغاز شده است. «

عضو کابینه دولت یازدهم تأکید کرد: «می‌خواهیم کاری کنیم که همگان در کشور بتوانند آزادانه قلم بزنند و نشر بدهند. این سیاست قطعی است که رئیس‌جمهوری ابلاغ کرده است.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دفاع از عملکرد دولت در حوزه ممیزی کتاب گفت: «از مجموع ۶۵ هزار اثری که امسال مجوز نشر گرفته‌اند، ۱۴ هزار عنوان آنها ترجمه است و ۴۵ هزار چاپ نخست هستند. کمتر از سه هزار این آثار نیازمند ممیزی و نظارت بودند. بنابراین تصمیم گرفتیم دیگر اعلام خط قرمز نکنیم، حتی این سه‌هزارم نیز از طریق مذاکره به اصلاح خطوط قرمز می‌رعایت نکرده‌اند. بپردازند، تا همگان بتوانند در سراسر کشور قلم بزنند. سیاست دولت، سیاست ایجاد فضای باثبات و آرامش در فضای فرهنگی است از این جهت اصحاب قلم

و هنر اساساً با مناقشه و اغتشاش نسبتی ندارند. امروز با افتخار می‌گویم که دستگاه فرهنگی در باثبات‌ترین موقعیت پس از انقلاب اسلامی قرار دارد و علت آن نیز اعتماد ایجاد شده میان اصحاب فرهنگ و دولت است.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از سیاست‌های رسانه ملی در پوشش مجموعه اقدامات فرهنگی انتقاد کرد و در ادامه گزارشی از اقدامات فرهنگی در جهت ترویج کتابخوانی دارد.



داریوش طلائی، حسن روحانی و سید رضا صالحی‌امیری در مراسم اختتامیه سی و چهارمین دوره جایزه کتاب سال

چهره روز

یادی از پری‌دخت سپهری



پری‌دخت سپهری

زندگی ادامه داد. او در رمان «هرکجا هستم» در خلال نوشتن زندگی خودش، شرحی هم از زندگی برادرش به روایت داستانی داده است. او ساکن آمریکا بود و چندی پیش که برای دیدار خانواده‌اش به ایران آمده بود، دچار سکنه مغزی شد و بعد از یک ماه گذراندن دوران نقاهت در خانه سرانجام ساعت ۳ و ۱۵ دقیقه با‌امداد ۱۸ بهمن فوت کرد.

«گروه ادب و هنر» آیین اختتامیه سی و چهارمین دوره جایزه کتاب سال و بیست و چهارمین دوره جایزه جهانی کتاب سال در تالار وحدت مجالی برای دومین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم بود تا در گزارش عملکرد کوتاه‌مدت خود در ساختمان بهارستان و در توضیح خط‌مشی پیش‌رودر وزارتخانه متنوعش بگوید: «ما یک تغییر نگاه در این دوره داشتیم؛ از ایجاد سد بین دولت و اصحاب قلم به رویکرد خودی‌شدن این سرزمین زیر چتر انقلاب ومقام معظم رهبری با اصول اساسی حرکت می‌کنند، مورد حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند.»

سیدرضا صالحی‌امیری در نخستین سخنرانی رسمی‌اش با اهالی کتاب در تالار وحدت تأکید کرد که از طرف رئیس‌جمهوری دستور دارد تا اعتماد میان اصحاب فرهنگ و دولت را قوام بیشتری بدهد: «اصحاب قلم و هنر اساساً با مناقشه و اغتشاش نسبتی ندارند. دستگاه فرهنگی در باثبات‌ترین موقعیت پس از انقلاب اسلامی قرار دارد و علت آن نیز اعتماد ایجاد شده میان اصحاب فرهنگ و دولت است.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که در حضور حسن روحانی در تالار وحدت سخن می‌گفت، با اشاره به چهره فرهنگی رئیس‌دولت یازدهم گفت: «رئیس‌جمهوری‌ما خود اهل قلم است و آشنایی دیرینه‌ای با فقه فرهنگ و اندیشه دارد. در واقع او بیش از آنکه مقام دولتی باشد، چهره‌ای فرهنگی و اندیشمند و آشنا به نشر شناخته می‌شود. خدا را شاکریم که دولت یازدهم عزت، کرامت و امنیت را به صاحبان اندیشه و قلم بازگردانده و اعتماد و تعامل خوبی بین فرهنگیان و دولت ایجاد شده است. این اعتمادسازی سرمایه

شما عضو هیات علمی و مدیرگروه نمایش واحد اراک هستید. به نظر‌تان ادبیات داستانی معاصر تا چه اندازه در درس دانشگاه‌ها جای دارد و دانشجویان تا چه اندازه در جریان داستان‌نویسی معاصر ایران قرار می‌گیرند؟ خیلی کم.

متن‌های دیگر و هنرها در نوشته‌های شما در رفت و آمد هستند و شما از این رفت و آمدها چندان ابایی ندارید. این سیالیت و حرکت بینامتنی را خودتان عاملی برای فرار یک داستان از چارچوبش نمی‌دانید؟ هر چیز که می‌خوانم و هر چیزی که می‌بینم در نوشته‌هایم تجلی پیدا می‌کند. موقع نوشتن، تسلیم مشاهدات هستم. موسیقی زیاد گوش می‌کنم. دریا گاهی پیانو، گاهی دف و گاهی تار است. گاهی که در خیابان راه می‌روم به چیزی به‌عنوان کلیت پیکره خیابان نگاه نمی‌کنم. یعنی «کل» را نمی‌بینم. تمام خرده اشیا و چیزهای کوچک را می‌بینم. خواندن کتابی درباره گل‌ها، نجوم و ماهیت قلب انسان را گاه ترجیح می‌دهم به خواندن کتابی تئوری درباره داستان. هر چیز که الهام‌دهنده باشد برایم مقدس است. مثلاً در روی صندلی آرایشگاه که می‌نشینم، در آینه، به رقص دستان آرایشگر نگاه می‌کنم؛ مثل یک نمایش است. نوشتن نوعی غرق‌شدگی است. از قاعده و اصول فراری هستم. تأثیر تجربه بازیگری تئاتر هم در نوشته‌هایم دیده می‌شود. بازیگر تئاتر در هر شب، حس و حالش ممکن است فرق کند. ماما هنگام مرگ متغیر هستیم. مرگ ما را تثبیت می‌کند. نوشتن، ثبت دلتنگی‌ها و پریشانی‌هاست. پریشانی‌ها هم سیال است.

نوشته‌های کتاب «عطر ریخته در اصفهان» به قول خودتان پرسه زدن در کوچه‌های اصفهان است. شما در اصل اراکی هستید، اما اصفهان در نوشته‌هایتان پیش از هر نویسنده اصفهانی دیگری نمود دارد. با توجه به سال‌هایی که با نویسندگان اصفهانی نشست و برخاست دارید، به نظر شما امساک نویسندگان اصفهانی از تمرکز بر جغرافیا و تاریخ اصفهان ناشی از چیست؟ در کودکی کارت پستالی از سی و سه پل دیدم و محو زیبایی آن عکس شدم. یادم است عید بود. آسمان کارت‌پستال آبی بود. تقدیر بر آن بود که چندسالی در اصفهان زندگی کنم. زمان دانشجویی با مرحوم ابراهیم کریمی حسنیچه آشنا شدم. ایشان اهل اصفهان و شخص کاریزماتیکي بودند. اصفهان سرشار از پارادوکس است. هم کافه‌های قدیمی و هم مسجد شیخ لطف‌الله دارد.

مرحوم زاون قوکانیان را که دیدم شیفته‌اش شدم. یک‌بار به خانه علی‌خداایی رفتم. ایشان می‌گفت عصرهای جمعه زاون به خانه ما می‌آمد و روی این تخت نگاه‌کنم. خاطره‌ان‌کارت‌پستال را در جیب‌هایم پنهان کرده‌ام و هر وقت دلم می‌گیرد کمی از آن را می‌خورم. اصلاً یکی از جذابیتهای اصفهان، آوای صوتی کلمه اصفهان است! نشست و برخاستی با نویسندگان اصفهانی ندارم. دلیل امساک را هم نمی‌دانم. هر چند نویسندگانی مثل استاد علی‌خداایی اتفاقاً خیلی وابسته به اصفهان هستند.